



Imam Sadeq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute for Political
and Defense Studies

ISSN:2538-3795

Website: <http://ids.isri.ac.ir>

Volume : 1 ; Number : 2

Analysis of Threat Management Patterns with Emphasis on Religious Sources

Siamak Bagheri Choukami*

<https://doi.org/10.22034/ids.2025.214343>

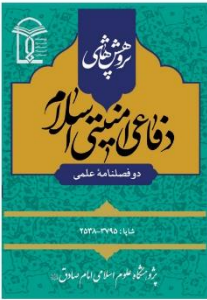
Received: 2024-08-20 - Accepted: 2024-11-26

(66-88)

Abstract

Soft warfare is one of the enemy's priorities in confronting the Islamic Republic of Iran. Therefore, this research question is: What patterns can be used to manage soft warfare and effectively counter it? Confronting soft attacks requires management patterns of the same type and nature. In this research, the main goal is to introduce software patterns to counter the aforementioned phenomenon. To achieve this goal, a descriptive-analytical method has been used, and data collection is based on document study and reference to scientific documents and records. The general result of this research indicates that soft threat has a processual and process-project nature. Soft threat management patterns are predicted in the preventive space with the non-design management pattern, in the pre-emptive space with the non-occurrence management pattern, and in the secondary prevention space with the containment management pattern.

Keywords: Soft Warfare, Soft Pattern, Soft Management, Prevention, Pre-emptive



*. Associate Professor of Security
Defense Group, Imam Sadeq Islamic
Sciences Research Institute, Qom,
Iran; s.bagheri6@gmail.com



پژوهشگاه
علوم
اسلام
امام صادق

پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی

ISSN: 2538-3795

نشانی پانگه: <http://ids.isri.ac.ir>

سال اول: شماره دوم

واکوی الگوهای مدیریت تهدید با تأکید بر منابع دینی

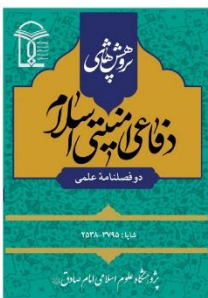
سیامک باقری چوکامی*

شناسه دیجیتال (DOI): <https://doi.org/10.22034/ids.2025.214343>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۸/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۶
(۶۸-۸۸)

چکیده

جنگ نرم از اولویت‌های دشمن برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران است. از این رو، پرسش این پژوهش این است که با چه الگوهایی می‌توان جنگ نرم را مدیریت و به صورت مؤثر با آن مقابله کرد؟ مقابله با هجمه‌های نرم، مستلزم الگوهای مدیریتی هم‌جنس و هم‌سخت خود است. در این تحقیق، هدف اصلی معرفی الگوهای نرم‌افزاری مقابله با پدیده یادشده است. برای دستیابی به این هدف، از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده و گردآوری داده‌ها نیز براساس مطالعه اسنادی و رجوع به مدارک و اسناد علمی انجام شده است. نتیجه اجمالی این پژوهش، بیانگر این است که تهدید نرم، ماهیت فرآیندی و پروسه - پروژه‌ای دارد. الگوهای مدیریت نرم تهدید، در فضای پیشگیرانه با الگوی مدیریتی عدم طرح، در فضای پیشدستانه با الگوی مدیریتی عدم وقوع، و در فضای پیشگیری ثانویه با الگوی مدیریت مهار، پیش‌بینی شده است. واژگان کلیدی: جنگ نرم، الگوی نرم، مدیریت نرم، پیشگیری، پیشدستانه



* دانشیار گروه دفاعی امنیتی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق، قم، ایران،
s.bagheri@gmail.com

بیان مسئله

راهبردهای غرب برای اعمال نفوذ و تغییر جمهوری اسلامی ایران، با توجه به تغییر و تحول در منابع قدرت، ظهور عصر اطلاعات و فناوری‌های ارتباطی نوین، دچار تحول گفتمانی شده است. جنگ نرم با ابعاد بسیار پیچیده، محصول این تحول است. به موازات چنین تغییر و دگرگونی در راهبردهای قدرت‌های بزرگ، الگوهای مدیریت و مقابله با تهدیدات نوظهور و نرم‌افزاری، به دغدغه‌های مدیران سیاسی و امنیتی تبدیل شده و موضوع بحث کارشناسان مطالعات امنیت ملی گردیده است.

مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه جنگ نرم و الگوهای مدیریتی مقابله با آن، به این نتیجه رهنمون می‌شود که تمرکز بیشتر پژوهش‌ها در این زمینه بر راهبردهای مقابله بوده و کمتر به ارائه الگویی برای این منظور مبادرت شده است. برای نمونه، امیری و همکاران (۱۳۹۲) با اینکه عنوان مقاله خود را «الگوی مقابله با جنگ نرم آمریکا» نهاده‌اند، اما الگورا مدل مفهومی‌ای معنا کرده‌اند که دارای ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌هاست و به‌طور مستقل التفاتی به الگوهای مقابله نداشته‌اند. نیکرو (۱۳۹۱) نیز در مقاله «نظام مقابله با جنگ نرم دشمن»، راهبردهای محوری نظام مقابله با جنگ نرم را به بحث گذاشته و الگوهای مدیریت جنگ نرم را واکاوی نکرده است.

از این رو، مسئله اصلی این پژوهش، واکاوی الگوهای مدیریت تهدیدات برای مقابله با جنگ نرم است. مفروض این پژوهش این است که تهدیدات نرم، پدیده‌ای پروژه‌ای - پروسه‌ای‌اند و چرخه حیات آن عبارت است از: پیش از ظهور جنگ نرم؛ حین جنگ نرم و پس از جنگ نرم. بر این فرض، سه پرسش اساسی مطرح شده است: الگوی مدیریت مقابله با جنگ نرم در فضای پیشگیری کدام است؟ در فضای پیشدستانه، چه هویتی دارد؟ و در فضای پیشگیری ثانویه به چه شکل می‌باشد؟

۱. مفهوم

۱-۱. تهدید نرم

تهدید نرم، از جمله مفاهیم توسعه نیافته در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی است. با

بررسی مجموعه ادبیات مربوط به جنگ و تهدید نرم، دست کم چهار برداشت را می‌توان تشخیص داد: اول، تهدید نرم به‌عنوان عملیات روانی دشمن بر روی افکار عمومی خودی است. با این دیدگاه، تهدید نرم مساوی با مجموعه تهاجمات روانی - تبلیغاتی یک کشور بر ضد کشور دیگر به‌شمار می‌رود؛ دوم، تهدید نرم مساوی با اقدامات پنهان و توطئه‌آمیز دستگاه‌های امنیتی حریف بر ضد جامعه خودی است. با این دیدگاه، تهدید نرم مجموعه عملیات پنهانی تلقی می‌شود که توسط دستگاه‌های اطلاعاتی به‌اجرا درمی‌آید؛ سوم، تهدید نرم به‌عنوان هدف قرار گرفتن بنیان‌های ذهنی و اعتقادی سیستم سیاسی خودی از سوی محافل روشنفکری یا دیگر مراجع فکری و مؤسسات فرهنگی است؛ و چهارم، تهدید نرم به‌عنوان ناآرامی‌های اجتماعی گسترده با هدف براندازی سیستم سیاسی خودی تلقی می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۹: ۴۵).

هریک از این تعاریف و مفاهیم، به یکی از ابعاد و وجوه جنگ نرم توجه و بر آن تأکید کرده‌اند. برخی بر ماهیت و محتوای هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی جنگ نرم تمرکز کرده‌اند؛ برخی از تعاریف بر کارکرد و هدف جنگ نرم تأکید ورزیده‌اند و دسته‌ای دیگر از تعاریف، به ابزارها و سازوکارهای جنگ نرم توجه داشته‌اند.

با این حال، تعریف عملیاتی و موردنظر در این پژوهش عبارت است از تلاش و اقدامات عملی، توطئه‌آمیز و برنامه‌ریزی‌شده دشمن برای تغییر سیاسی از طریق نفوذ، تحریف، تضعیف و تخریب مبادی و مبانی نرم‌افزاری حریف، و گسست پیوندهای ارزشی و هنجاری جامعه با حکومت و ایجاد پیوندهای جایگزین به نفع خود، و تهییج کم‌هزینه گروه‌های اجتماعی هدف و بسیج نارضایتی‌های اجتماعی به منظور رودررو ساختن جامعه با حکومت، به‌گونه‌ای که تحصیل اهداف راهبردی بازیگر عامل (تغییر رفتار یا رژیم) ممکن و حاصل آید.

۲. چهارچوب نظری

تهدید، تنها یک مقوله بسیط نیست، در رویکردهای نوین مطالعات امنیتی، تهدید به مثابه یک فرایند است، نه صرفاً یک موضوع اراده‌ای یا چند بازیگر مشخص. از این حیث، تهدید

نرم، پیش از ظهور در فضای امنیتی، در فضای پیش از اجتماعی و اجتماعی وجود دارد. در این راستا پژوهشگران فرایند تهدید را در پنج ساحت مورد توجه قرار داده‌اند:

الف) ساحت پیشاتکوین: منظور از «ساحت پیشاتکوینی»، مجموع مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها یا اصول رفتاری‌ای است که به صورت پیشینی و در مقام آفرینش، پدیده از آن برخوردار شده است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۱۸).

ب) ساحت فردی: ساحت فردی موضوعاتی را شامل می‌شود که از حیث منطقی، شخص بنیادند؛ یعنی با باورها، گرایش‌ها، علایق، سلیقه‌ها، ترجیحات و حب و بغض‌ها سروکار دارد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۱۸). در این ساحت، تهدید هنوز موضوعیت نیافته است.

ج) ساحت اجتماعی: ساحت اجتماعی، ارتباط بین فردی است. در این فضا، پدیده‌ها از شبکه روابط مبتنی بر علایق شخصی و فردی خارج و به شبکه روابط جمعی وارد شده‌اند. ارتباط با شبکه اجتماعی توجه دارد (همان: ۲۲۶). تهدیدات، پیش از امنیتی شدن، در این فضا حضور می‌یابند و به راحتی قابل کشف نیستند. درک پیشاپیش حضرت امام علیه السلام از فروپاشی شوروی سابق که در نامه‌ای به گورباچف منعکس شد (۱۳/۱۰/۱۳۶۷) نمونه‌ای از این مسئله است. در این ساحت، تهدید امکان طرح یافته، اما هنوز وقوع نیافته است.

د) ساحت سیاسی: در این ساحت، تهدیدات در ارتباط با نوع مناسبات آن با قدرت رسمی معنا می‌یابند. قرار گرفتن یک موضوع در شبکه روابط قدرت، آن را به پدیده‌ای سیاسی تبدیل می‌سازد که در مقام مقایسه با پدیده‌های اجتماعی، عینی‌تر و ملموس‌تر، و ارتباط بین متغیرها روشن‌تر و شفاف‌تر است. در فضای سیاسی، فرصت‌های مختلفی می‌تواند فضای هیجانی لازم را برای تحریک برخی گروه‌های اجتماعی آماده‌سازد.

ه) ساحت امنیتی: در این ساحت، تهدیدات در ارتباط با تأثیرات آن بر ثبات نظام ملی تأکید دارد. بیشتر مطالعات امنیتی و سیاست‌گذاری‌های مدیریتی، بر این ساحت متمرکزند. درک ماهیت تهدید در ساحت امنیتی، به دلیل شفافیت و نزدیک بودن تهدید، متفاوت از ساحت‌های پیشین بوده و بیش از هر چیزی با منافع بازیگر مرتبط است. در این ساحت، جنگ نرم عینی‌ترین وجه را به خود می‌گیرد.

باتوجه به ساحت‌های یادشده، مدیریت نرم برای مقابله با تهدید براساس فضای

پیشگیری، دارای الگوهای متفاوتی است. فضای پیشگیری، فاصله زمانی ای است که بین تهدید بالقوه و هنوز عینیت نیافته و تهدید بالفعل عینیت یافته است. پیشگیری عبارت از پیش‌بینی، شناسایی و برآورد عوامل خطر (آسیب‌ها و تهدیدها) و عوامل حمایتی (فرصت‌ها و قوت‌ها) و انجام اقداماتی برای از بین بردن زمینه یا کاهش عوامل خطر و افزایش عوامل حمایتی (محمّدی نسل، ۱۳۸۸: ۱۱). پیشگیری، از یک حیث به پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث دسته‌بندی شده است. پیشگیری اولیه، یعنی انجام اقداماتی که موجب شود تا فرد فکر ارتکاب جرم را در ذهن نداشته باشد؛ پیشگیری ثانویه، یعنی انجام اقداماتی که باعث می‌شوند تا فردی که در آستانه ارتکاب جرم قرار دارد، مرتکب این عمل نشود و ناظر به کسانی است که در معرض خطر ارتکاب جرم هستند؛ پیشگیری ثالث درباره افرادی است که دچار بحران شده، مرتکب فعل مجرمانه می‌شوند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فضای پیشگیری اولیه، پیشگیری از نوع عدم طرح و کنشی است؛ فضای پیشگیری ثانویه از نوع پیش از وقوع و کنشی یا پیشدستانه^۱ است و فضای پیشگیری ثالث، پس از وقوع و واکنشی است.

الگوهای مدیریت نرم مقابل با تهدید در ساحت‌ها و فضاهای سه گانه



۳. الگوهای مدیریت تهدیدات نرم

۳-۱. فضای پیشگیری و الگوی عدم طرح تهدید نرم

الگوی عدم طرح، به سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقداماتی اشاره دارد که نتایج آن مانع از عینیت

۱. در فضای پیشدستانه، بازیگر تهدیدشونده، براساس شواهد و قراین، به نیت و قصد تهدیدکننده پی برده است، و می‌داند در صورت عدم اقدام فوری و بموقع، قربانی تهاجم قریب‌الوقوع آن خواهد شد.

یافتن پدیده‌های ضدامنیتی می‌شود. در واقع، تحقق این تلاش‌ها، سبب می‌شود تا پدیده‌های ضدامنیتی در ساحت فردی یا اجتماعی و سیاسی موضوعیت پیدا نکنند. به‌همین دلیل الگوی عدم طرح، در فضای پیشگیری کاربرد دارد. فضای پیشگیری، مجموعه اقدامات نرمی است که مانع از وقوع حادثه (تهدید یا بحران) امنیتی می‌شود. فضای پیشگیرانه امنیتی، مبتنی بر این نظریه است که تهدیدات پیش از ورود به مقطع ظهور عینی‌شان، حضور دارند؛ یعنی پدیده‌های امنیتی پیش از آنکه در فضای خارجی، هویتی عینی بیابند، دارای هویتی تکوینی یا هویت اجتماعی در درون ساختار جامعه می‌باشند (افتخاری الف، ۱۳۸۵: ۷). الگوی مدیریت عدم طرح، در دو فضای پیشاتکوین و فضای فردی قابلیت اجرا دارد. اگر این دو فضا براساس نظام ارزشی و معرفتی جامعه شکل یابند، تهدیدات نرم قابلیت طرح و موضوعیت پیدا نمی‌کنند.

الف) شکل دهی ساحت پیشاتکوین: نخستین اقدام نرم مدیریتی که می‌تواند از موضوعیت یافتن تهدید نرم جلوگیری کند، شکل دهی فضای پیشاتکوین آن است. فضای پیشاتکوین، بُعدی از وجود است که پیش از پدیدار شدن عینیات و موجود شدن (تکوین) فعال می‌شود و بر آن تأثیر می‌گذارد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۲۱۸). فضای پیشاتکوین مبتنی بر این مبانی دینی است که بخشی از شخصیت انسان‌ها پیش از تولدشان شکل می‌گیرد. حجم بالایی از آموزه‌ها و توصیه‌های دینی مربوط به دوره‌ای است که هنوز فرد متولد نشده است. برای نمونه، براساس آموزه‌های اسلامی کسب مال حرام یا ربا، تأثیر مستقیم بر شخصیت انسان پیش از تولد دارد. در این زمینه امام صادق علیه السلام فرمود: «كَسْبُ الْحَرَامِ يُبَيِّنُ فِي الذَّرِيَّةِ؛ كَسْبُ حَرَامٍ فِي ذُرِّيَّةٍ وَفِرْزَانِ أَشْكَارٍ مِیْ گَرْدَد» (کلینی، ۱۳۸۷: ۱۲۴)؛ «مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ شُرْكَ الشَّيْطَانِ؛ آن نطفه‌ای که از مال حرام به وجود آید، شیطان در آن شریک است» (مجلسی، ۱۳۷۲: ۱۳۶). ربا به‌عنوان لقمه حرام نیز همین خاصیت را دارد. معنا و مفهوم این آموزه‌ها این است که در صورت عدم مدیریت و پیشگیری عوامل تأثیرگذار و شکل دهنده شخصیت پیش از تولد، جامعه ناگزیر از بروز رفتارهای ضدامنیتی از این ناحیه خواهد بود. مصداق این گزاره، بیان حضرت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا است. زمانی که آن حضرت پس از دعوت و روشنگری، از تأثیرپذیری دشمنان علامتی دریافت نداشت، فرمود:

«از اینکه شما نافرمانی ام می‌کنید و به سخن من گوش فرامی‌دهید، این است که شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر خورده است و دیگر حق را نمی‌پذیرید. وای بر شما!» (قمی، ۱۳۷۲: ۱۱۰).

بنابراین، مدیریت پیشاتکونین از ارزش امنیتی بالایی برخوردار است؛ زیرا کارکرد اصلی آن، عدم طرح و عینیت نیافتن تهدیدات نرم و حتی سخت در جامعه است. درحقیقت، این الگو آینده‌تهدید یا تهدیدات وقوع‌نیافته را هدف قرار می‌دهد و به‌نوعی آینده‌سازی امنیتی را فراهم می‌کند.

ب) شکل‌دهی ساحت فردی: افراد، مهم‌ترین آماج تهدید نرم به‌شمار می‌آیند؛ زیرا مبنا و منبع هر فساد و صلاحی، در فرد ارزیابی می‌شود و نفوذ و تأثیرپذیری افراد از تهدید نرم، آینده‌جامعه و جامعه‌سیاسی را دستخوش تهدیدات امنیتی خواهد کرد. درگفتمان امنیتی اسلام نیز فرد از جایگاه بااهمیتی برخوردار است. بنابراین، دومین فضایی که مدیریت تهدیدات نرم می‌تواند مانع از وقوع تهدیدات پیش از ظهور اجتماعی آنها باشد، ساحت فردی است. تربیت به‌عنوان الگوی مدیریت نرم، در شکل‌دهی ساحت فردی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

تربیت، یگانه‌راه بهنجار شدن انسان‌ها و تنها سلوک انسان در متعالی شدن است. وفق مبانی اسلامی، کلید مقاوم‌سازی نسل در برابر تهاجمات نرم و شیطانی، در نوع تربیت افراد است. درحقیقت، تربیت را می‌توان رکن اصلی راهبردهای اسلامی برای فعال‌سازی منابع قدرت نرم در جامعه اسلامی ارزیابی نمود؛ چنان‌که در قرآن کریم، تربیت یکی از اهداف فرستادن پیامبران شمرده شده است: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ (جمعه: ۲): او (خدا) کسی است که از میان مردم درس نخوانده، رسولی را فرستاد تا آیاتش را بر آنان بخواند و آنان را تزکیه نماید و کتاب حکمت را به آنان بیاموزد.

بنابراین، تولید، تحکیم و توسعه ارزش‌های متعالی در جامعه، دربرگیرنده فرایندی جامع و درازمدت از تربیت و یادگیری فرهنگی و سیاسی است که در اصطلاح، جامعه‌پذیری فرهنگی و سیاسی خوانده می‌شود. تربیت عقلانی، پادزهر شخصیت تأثیرپذیر از محیط

پیرامونی است. بی‌توجهی به جامعه‌پذیری اولیه که همان خانواده است و جامعه‌پذیری ثانویه که نهادهای آموزشی و پرورشی را دربرمی‌گیرد، سبب می‌شود تا فرزندان با شخصیت‌های منفعل و آسیب‌پذیر و سست‌بنیان در برابر تهاجمات نرم افزاری تربیت شوند. بنابراین، پدیده‌های امنیتی تابعی از شخصیت افراد است و شخصیت افراد نیز تابعی از نوع تربیت آنهاست؛ در صورتی که تربیت فردی در جامعه به درستی انجام پذیرد، قویاً مانع از بروز و عینیت یافتن پدیده‌های ضدامنیتی خواهد شد. براین اساس، شکل‌دهی ساحت فردی از طریق تعلیم و تربیت، درست مانند فضای تکوین، کارکرد آینده‌سازی امنیتی دارد. از این منظر، بازخوانی تربیت افراد مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای مقابلهٔ پیشگیرانه با هجمه‌های نرم جامعهٔ امروز ما، یکی از مهم‌ترین راهبردهای عملیاتی مقابله با جنگ نرم است.

۳-۲. فضای پیشگیری ثانوی و الگوی عدم وقوع تهدید نرم

منظور از عدم وقوع این است که پدیدهٔ تهدید، تکوین یافته، اما هنوز به وقوع نرسیده یا مابه‌ازای خارجی پیدا نکرده است. به عبارت دیگر، پدیدهٔ تهدید برای تهدیدشونده موضوعیت پیدا کرده، ولی عینیت خارجی نیافته است. در چنین شرایطی، زمان برای مدیریت تهدید فراهم است تا از وقوع آن جلوگیری شود. براین اساس، گفته می‌شود که علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد. بنابراین، مدیریت نرم مبتنی بر الگوی عدم وقوع، مبتنی بر این اصل است که تهدید نرم موضوعیت یافته است؛ اما باید کاری کرد که از وقوع اجتماعی آن جلوگیری شود. از این رو، قلمرو این الگوی مدیریت، فضای اجتماعی است.

فضای اجتماعی مانند فضای پیشاتکوین و ساحت فردی، از حیث ملاحظات امنیتی ماهیت پیشدستانهٔ مبتنی بر الگوی عدم وقوع دارد. در صورتی که فضای اجتماعی مدیریت شود و مانع از بروز گسست‌های اجتماعی گردد، می‌توان جامعهٔ امنی را پیش‌بینی کرد که در نتیجهٔ آن، پدیده‌های امنیتی در آن موضوعیت پیدا نکنند؛ زیرا تهدیدات نرم داخلی از درون چنین گسست‌هایی بروز و ظهور می‌یابند و بازیگران خارجی نیز با سوار شدن بر چنین گسست‌هایی، تهدید تولید می‌کنند. در صورتی که فضای اجتماعی عاری از دست‌کم چهار گسست «نیاز - پاسخ»، «خواسته - داشته»، «خواسته - بایسته» و «آرمان - واقعیت» باشد،

از بروز و عینیت یافتن پدیده‌های امنیتی مانند تهدیدات نرم ممانعت به عمل خواهد آمد.

الف) متوازن‌سازی نیاز- پاسخ: منظور از «گسست نیاز- توان پاسخ»، فاصله بین توانایی پاسخ‌گویی نظام سیاسی با نیازهای روبه‌رشد جامعه است. چنان‌که نظام سیاسی نتواند چنین شکافی را کاهش دهد، محمل بسیار قابل توجهی برای شکل‌گیری پروژه تهدید نرم و عملیات روانی دشمن خواهد بود (باقری و یوسفی، ۱۳۸۷: ۴۵).

الگوی متوازن‌سازی نیاز- پاسخ، مبتنی بر این نظریه است که معیار اصلی امنیت و ناامنی انسان، نیاز اوست؛ زیرا نیاز، اساس رفتار انسان را تشکیل می‌دهد و کلید فهم رفتار به صورت فردی و گروهی، نیازش می‌باشد. طبق این برداشت، امنیت زمانی تأمین می‌شود که نیازهای اساسی انسان برآورده شود؛ در غیر این صورت، انسان با ناامنی روبه‌روست (کریمی، ۱۳۸۵: ۱۳۱). بر این مبنا، اگر مدیریت تهدید نرم معطوف به نیازهای انسان شود و سلسله اولویت‌های نیازهای جامعه، شناسایی و سازمان‌دهی شده، برنامه‌ریزی دقیق و متوازن انجام گیرد و پاسخ قانع‌کننده‌ای به آنها داده شود، امکان عدم طرح تهدید نرم فراهم می‌گردد.

بنابراین، ارتقای قابلیت پاسخ‌گویی و افزایش کارآمدی نظام اقتصادی برای برآوردن نیازهای مادی و رفع مشکلات معیشتی و شغلی، ظرفیت‌افزایی نظام اجتماعی برای فائق آمدن بر شکاف‌های منزلتی و رفع و تقلیل تبعیض، نابرابری و بی‌عدالتی‌های اجتماعی، همچنین ارتقای توان معناسازی و بازتولید نظام فرهنگی به منظور تأمین نیازهای معنوی انسانی، و خودشکوفایی و بازنمایی فردی و جمعی، و در نهایت تقویت کارکرد نظام سیاسی با هدف پاسخ‌گویی مثبت به نیاز مشارکتی شهروندان و دستیابی به آزادی (همان: ۱۴۴)، امکان هرگونه طرح مسئله تهدید را کاهش می‌دهد یا ناممکن می‌کند.

نکته کلیدی در الگوی مدیریتی متوازن‌سازی نیاز و توان پاسخ این است که ویژگی ذاتی نیازها یا خواسته‌ها، افزایشی بودن آنهاست. بنابراین، در صورتی که مدیریت خواسته‌ها بر محدودسازی یا کاهش خواسته‌ها استوار باشد، نه تنها نتیجه مطلوبی گرفته نمی‌شود، بلکه چنین امنیت‌سازی‌ای شکننده و ناپایدار خواهد بود. براساس گزاره یادشده، به منظور ایجاد امنیت پایدار باید فرایند افزایش خواسته‌ها را که امر طبیعی جوامع بشری است، به عنوان یک اصل ثابت مدنظر قرار داد.

در الگوی مدیریتی نرم باید در جهت دهی روند افزایشی خواسته‌ها حساس بود و نیازهای واقعی و متعالی را تقویت کرد. زیرا هر چقدر خواسته‌ها و نیازهای متعالی و بالا تأمین شود، ضریب امنیتی نیز ارتقاء خواهد یافت؛ در ایجاد خواسته باید مبانی، شرایط و زمینه‌ها به طور کامل آماده شود و از دامن زدن نا بهنگام نیازها و خواسته‌ها پرهیز کرد؛ و نهایتاً اینکه در کنار روند افزایشی خواسته‌ها باید کارویژه‌ها و توان پاسخ‌گویی نظام نیز افزایش یابد. درغیراین‌صورت، نظام در معرض تهدید قرار خواهد گرفت. هر چه بین نیازها و توان پاسخ‌گویی فاصله باشد، نارضایتی نیز افزایش خواهد یافت. و با افزایش نارضایتی نیز ضریب امنیتی کاهش یافته و تهدیدات بستر ظهور و بروز پیدا می‌کنند.

۲-۲-۳. تعادل‌سازی خواسته و داشته

"خواسته" عبارتست از آن دسته از کالاها و شرایط زندگی، که مردم، خود را به طور موجهی مستحق آن می‌بینند. "داشته" اشاره به کالاها و شرایطی دارد که مردم فکر می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آنها را دارند (تدگر، ۱۳۸۸: ۴۷) این الگو مبتنی بر این نظریه است که هرگاه شکاف بین «انتظارات و خواسته‌ها» با «داشته‌ها» وجود داشته باشد تهدید ظهور پیدا خواهد کرد. براساس این نظریه هرگاه بین آنچه افراد انتظار دارند حق آنهاست و باید برآورده شود و میزان توانایی آنها در برآورده کردن آن انتظارات، فاصله و شکاف افتد، انتظارات مردم تحت شرایطی به سمت اعتراض و خشونت تمایل پیدا می‌کند.

بازیگران جنگ نرم با توسل به این یافته، دست‌کم از دو طریق اصلی زیر می‌کوشند تا مردم را در برابر نظام سیاسی قرار دهند و نافرمانی مدنی را مدیریت کنند.

یک- بازیگران جنگ نرم، از طریق رسانه‌ها و تکنیک‌های عملیات روانی می‌کوشند در شرایطی که توانایی‌های ارزشی حاکمیت (قدرت تأمین و ارضای نیازهای مادی معنوی جامعه) ثابت است، انتظارات ارزشی را به قدری بالا ببرند که شکاف میان مردم و حاکمیت به صورت شدید فعال شود؛

دو- عاملان جنگ نرم، از طریق عامل‌های مؤثر اطلاعاتی می‌کوشند در شرایطی که انتظارات در یک معادله با شیب ثابت و مثبت (ملایم) پیش می‌رود، توانایی حاکمیت در

برآورده ساختن ارزش‌ها را روبه‌اضمحلال نشان دهند (الگوی محرومیت سعودی) و از این رهگذر به نتیجه مدنظر خود مبنی بر جنبش‌سازی و مدیریت نافرمانی مدنی نایل آیند (باقری چوکامی، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

حال در صورتی که نظام‌های سیاسی بتوانند بین خواسته‌ها و داشته‌ها تعادل ایجاد کنند و زمینه‌های پیدایی شکاف خواسته و داشته را به‌طور اساسی رفع نمایند، پایداری امنیتی را تضمین کرده، این امکان را فراهم خواهند ساخت که تهدیدات نرم نتوانند در جامعه، نه تنها وقوع، بلکه موضوعیت یابند. بنابراین، راهکار تحصیل امنیت، چگونگی پر کردن خلأ و گسست‌های میان داشته و خواسته است.

عدالت، یکی از کلیدی‌ترین موضوع مدیریت نرم در جلوگیری از گسست یادشده است. در آموزه‌های دینی به این موضوع بسیار توجه شده است؛ چنان‌که امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید: «العدل قوام البریة و الظلم بوار الرعیة؛ عدالت مایه قوام و پایداری مردم، و ستم و ظلم موجب هلاک ملت است» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸، ۲: ۱۴۱). دولت‌ها و حکومت‌هایی که به عدالت رفتار نکنند پایه حاکمیتشان بسیار سست و ضعیف است و اقتدارشان موقت خواهد بود؛ زیرا با ستمگری و بی‌عدالتی، نابودی خود را امضا کرده‌اند. حضرت علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ جازَتْ و لا یثبته زالت دولته؛ کسی که در دایره حکومتش ظلم و ستم کند، حکومتش از بین خواهد رفت» (همان: ۱۸۷) یا «مَنْ عَمِلَ بِالعدلِ حَصَنَ اللهُ مُلْکَهُ؛ کسی که به عدالت عمل کند، خداوند قلمرو حکومتش را حفظ خواهد کرد» (همان: ۲۰۹). همچنین حضرت در حفظ ثبات و پایداری دولت می‌فرماید: «ثبات الدول بالعدل؛ ثبات و پایداری دولت‌ها به برپایی قسط و عدل است» (همان: ۱: ۳۲۹). باین‌وصف، تلاش برای تحقق شاخص‌های عدالت در حوزه‌های مختلف، ضامن امنیت و مانع بروز تهدیدات نرم می‌باشد. به‌طورکلی، شاخص اساسی عدالت در حوزه سیاسی توزیع منافع ناشی از قدرت، در اقتصاد توزیع عادلانه ثروت و امکانات و فرصت‌ها، و در حوزه اجتماعی توزیع متناسب فرصت‌های کشور است (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۶/۸) که باعث بیمه شدن نظام سیاسی می‌شود.

پ). هماهنگ‌سازی خواسته - بایسته: این رابطه بر وجه فرهنگ‌پذیری دلالت دارد و

مراد از بایسته‌ها، وضعیت آرمانی و ارزشی جامعه است که در نظام ارزشی هر واحد سیاسی معنا می‌یابد و تابعی از مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی آن می‌باشد. فاصله آرمان‌ها و الگوهای ارزشی نظام سیاسی با خواسته‌ها و الگوهای ارزشی جامعه، سبب بی‌ثباتی در نظام و فراهم شدن بسترهای تهدید نرم خواهد شد. اینکه نظام تا چه میزان می‌تواند خود و شهروندانش را در چهارچوب الگوی ارزشی مورد قبول بازتعریف کند، می‌تواند معیاری برای پیش‌بینی مدیریت تهدیدات باشد. چنان‌چه نظام سیاسی بنا به هر دلیلی نتواند خواسته‌ها و بایسته‌های جامعه را متعادل‌سازی کند، می‌توان پیش‌بینی کرد که امنیت و اقتدار چنین نظامی با چالش‌های جدی‌ای روبه‌رو خواهد شد. با این حال، شکاف ارزشی - که از آسیب‌های به هم خوردن منطق خواسته - بایسته است - با فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری مناسب و انتقال بهینه ارزش‌ها، زایل‌شدنی است.

ت) منطقی کردن آرمان - واقعیت: متعادل کردن فضای بین آرمان‌ها و واقعیات و ممانعت از بروز شکاف در این دو برای پیشگیری از بروز تهدید، بسیار مؤثر است؛ زیرا نظام‌هایی که از رکن ارزشی و آرمانی غفلت ورزیده و صرفاً واقعیت‌ها را مبنای عمل قرار دادند، چندان پایدار نبوده‌اند. عکس این قضیه نیز صادق است؛ بدان معنا که اگر تأکید بر ارزش‌ها بدون واقعیات جاری زندگی انسان‌ها صورت گیرد، امنیت پایدار شکل نخواهد گرفت. به همین دلیل در صورت عدم ارتباط و اتصال بنیان‌های عمیق و مشترک نظام با حیات جاری، آسیب جدی به هویت، به‌عنوان مرجع حوزه‌های فرهنگ و اجتماع، وارد خواهد ساخت. از این‌رو، منطق آرمان - واقعیت به ما نشان می‌دهد که هرچه واقعیت‌ها با آرمان‌ها و بایسته‌ها هم‌گرا و متناسب باشند، ضریب امنیتی نیز بالا می‌رود و مانع از شکل‌گیری و طرح تهدیدات می‌شود.

محتوای چهار محور بررسی شده، بیانگر و جوهی از فضای پیشگیری اجتماعی است که باید هم در یک سیستم دیده شود. زمانی مدیریت تعادل‌سازی نیاز- پاسخ، خواسته - داشته، داشته - بایسته و خواسته - بایسته می‌تواند در پیشگیری تهدید نرم موفق باشد که به صورت اندامواره در نظر گرفته شوند. در چنین شرایطی، تعادل چهار وضعیت یادشده، تولید اقتدار ملی را در پی خواهد داشت. در نتیجه، وجود اقتدار ملی نیز مانع از طرح و موضوعیت یافتن تهدیدات (نرم و سخت) می‌گردد.

ث) توانمندسازی: توانمندسازی به معنای ایجاد مجموعه ظرفیت‌های لازم و توانا کردن جامعه به مهارت‌هایی برای مواجهه آفندی (تهاجمی) با هیجده‌های جنگ نرم است. از محورهای اصلی و اساسی جنگ نرم بر ضد نظام جمهوری اسلامی ایران، هدف قرار دادن نظام اعتقادی جامعه (اعم از مردم و دولت) نسبت به اصول ارزشی‌ای است که از طریق مکتب اسلام و در قالب تشیع ظهور یافته است؛ همچنین هدف قرار دادن رویکردهای تحلیلی جامعه (افکار عمومی، عوام و خواص) نسبت به نظام سیاسی است تا از این طریق انسجام اجتماعی-سیاسی مخدوش گردد (افتخاری، ۱۳۹۰: ۳۰۴-۳۰۵). لازمه پیشگیری از این تهدیدات، سیاست توانمندسازی یا مهارت‌افزایی و ظرفیت‌سازی است.

یک- عمق‌بخشی معرفت‌دینی و کسب مهارت‌های دینی: عمق‌بخشی، اشاره به ژرف گردانیدن مفاهیم و مبانی در یک فرایند بلندمدت دارد. عمق‌بخشی معرفت‌دینی و ارزش‌های اسلامی یعنی آمیخته شدن مفاهیم و ارزش‌های اسلامی، با جان و روح افراد. تردیدی نیست که تضعیف مؤلفه‌های هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی جامعه مخاطب می‌تواند ایده نظام اسلامی را متزلزل کند و سازه‌ها و نهادهای برآمده از آن را نیز در معرض فروپاشی قرار دهد. در واقع، اگر معرفتی دینی در جان افراد تنیده نشود، آنان در برابر موج شبهات و القانات دشمن، مقاوم و پایدار نخواهند ماند؛^۱ اما اینکه کسی ایمان خود را در میان تندبادهای گوناگون حفظ کند، به معنای این است که معرفت و بصیرت دینی در ژرفای جان او نشسته است. بنابراین، عمق‌بخشی معرفتی، از عوامل مصونیت‌ساز جامعه است.

عمق‌بخشی معرفت‌دینی نیازمند کسب مهارت‌های دینی است. مهارت‌های دینی به روش‌های نوین، توانایی جامعه را برای عمق‌بخشی افزایش می‌دهد:

۱. «این معرفت در عمق جان او وجود نداشته باشد؛ لذا سر یک پیچی، سر یک دست‌اندازی، یکهو می‌بینید که از جا درمی‌رود. این به خاطر این است. ما نظایرش را زیاد دیدیم. توی همین مجموعه‌های انقلاب، اوایل انقلاب کسانی بودند که از ماها که ریش داشتیم و عمامه داشتیم و اینها، به نظر می‌رسید که اینها متدین‌تر و مقیدتر و پایبند و نسبت به دین متعصب‌ترند؛ بعد یک وقت - همان طوری که عرض کردم - یک دست‌اندازی پیش آمد؛ یکهو دیدیم تاییرش در رفت! خوب؛ پیداست که چفت و بست محکمی نداشته» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳).

امروز نمی‌شود به همان روش‌های قدیمی خودمان اکتفا کنیم؛ البته که جوان نمی‌آید. جوان را باید بشناسید؛ فکر او را باید بشناسید؛ آنچه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید. تا میکروب و بیماری را شناسید که علاج نمی‌توان کرد. اینها همه ملایبی می‌خواهد؛ درس خواندن، مطالعه کردن و کار کردن، که همه اینها زیر عنوان مهارت‌های دینی خلاصه می‌شود» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۸/۱۷).

دو- عمق‌بخشی بصیرتی و توانمندسازی تحلیلی: روند تهدیدات نرم نشان می‌دهد که دشمن برای مدیریت ادراک، فریب استراتژیک و کمینه کردن توان تحلیلی جامعه ایران، برنامه‌های تهاجمی خود را بسیار پیچیده‌تر و فریبنده‌تر کرده است. از این رو، به همان میزان که معرفت دینی نیاز به عمق‌یابی و مهارت‌افزایی دارد، باید در زمینه آگاهی سیاسی و کسب و تقویت بصیرت سیاسی جهد و کوشش صورت گیرد؛ چراکه موفقیت بازیگران نرم ناشی از ضعف قدرت تحلیل وقایع و عدم بینش و آگاهی سیاسی جامعه است. آنها با توسل به چنین ضعفی، به ارائه بسته‌های تحلیل مبادرت می‌ورزیدند و از این رهگذر برداشت‌ها و ادراکات افراد جامعه را دست‌کاری و مدیریت می‌کنند. در چنین شرایطی، کیفی شدن و ارتقای برنامه‌های بصیرت‌افزایی و توانمندسازی جامعه (اعم از توده‌ها و نخبگان) از لحاظ توان و درک تحلیلی موضوعات، پدیده‌ها، روندها و رویدادها، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. تأکیدهای مکرر رهبر معظم انقلاب بر کسب بصیرت و تقویت و عمق‌بخشی قدرت تحلیل جامعه، به‌ویژه خواص، از این رو است که:

بصیرت، قطب‌نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است؛ به‌گونه‌ای که اگر کسی این قطب‌نما را نداشت و نقشه‌خوانی بلد نبود، ممکن است ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند. اگر بصیرت نباشد، انسان حتی با نیت خوب ممکن است گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۱۵).

درواقع، این بیان دلالت بر این نکته راهبردی دارد که توانمند شدن جامعه از نظر رویکردهای تحلیلی و قدرت تشخیص حق و باطل و قدرت تجزیه و تحلیل مسائل پیچیده سیاسی- اجتماعی، به استحکام درونی نظام سیاسی می‌انجامد و می‌تواند زیرساخت

الگوی ضد جنگ نرم را تشکیل دهد. وقتی توان تحلیلی و بصیرتی جامعه بالا باشد، استقامت و پایداری آن نیز افزایش می‌یابد و به دژ نفوذناپذیر تبدیل می‌شود و نظام را از تیررس تهدیدات نرم و روانی دور می‌دارد. این الگو را می‌توان در گفتمان اسلامی با عبارت «بنیان مرصوص» ملاحظه نمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوقٌ (صف: ۴)؛ خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند؛ گویی بنایی آهنین اند!». اما ضعف بصیرت و فقدان قدرت تجزیه و تحلیل، جامعه را شکننده و متزلزل می‌کند و پایه‌های نظام سیاسی را بر بنیادهای سستی قرار می‌دهد. در این حالت، توفیق بازیگر مهاجم نیز در نیل به اهدافش - در زمانی کوتاه‌تر و با هزینه‌ای کمتر - بیشتر می‌شود. به همین دلیل رهبر معظم انقلاب تأکید دارند که «یکی از وظایف اصلی امروز همین است که ما بصیرت خودمان را در مسانل گوناگون تقویت و زیاد کنیم» (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲).

سه- ظرفیت‌سازی: جنگ نرم در شرایطی رخ می‌دهد که ظرفیت ساختاری در نظام سیاسی، متناسب با شدت و تنوع تهدیدها نباشد. براین اساس، ظرفیت‌سازی می‌تواند شرایط و زمینه‌های لازم را برای ارتقای فضای فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری سیاسی به وجود آورد. ظرفیت‌سازی نیازمند رویکرد آینده‌پژوهی است و هرگونه تهدیدی عامل کنترل تهدیدهای گسترده‌تر فرض می‌شود. جذب حداکثری و دفع حداقلی براساس معیار و میزان، اصول و ارزش‌ها (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۵/۲۷). الگویی برای ظرفیت‌سازی است. در صورتی که کنشگران اجتماعی و سیاسی جذب شوند، فضای پیشگیری در برابر نفوذ نرم ایجاد می‌گردد و از این طریق سرمایه اجتماعی نظام افزایش می‌یابد و به صورت غیرمستقیم استحکام سیاسی نظام تقویت می‌شود:

زمانی که توانمندی سازمانی متناسب با فضای پیچیده اجتماعی ترمیم نشود، عدم توازن بین تهدیدها و نیروهای ساختاری افزایش می‌یابد. این امر عامل گسترش دهنده فضای سیاسی و اجتماعی جنگ نرم محسوب می‌شود. ظرفیت‌سازی در حوزه نیروی انسانی، مدیریت و سرمایه اجتماعی، بیشترین کارآمدی و مطلوبیت را برای مقابله با جنگ نرم ایجاد می‌کند» (متقی، ۱۳۸۸: ۷۳-۷۴).

۳-۳. فضای پیشگیری ثالث و الگوی مدیریت مهار

خروج تهدید از تکوین خود و عینیت خارجی یافتن، در واقع، به معنای وارد شدن به فضای پیشگیری ثالث یا حین تهدید است. در چنین شرایطی، الگوی مهار باید مبنای مدیریت نرم تهدید قرار گیرد. مدیریت مهار زمانی اجرا می‌شود که پدیده تهدید قابل مهار باشد. برای مهار پدیده تهدید می‌توان طیفی از اقدامات را انجام داد:

الف) به حداقل رساندن توان آسیب‌رسانی تهدید: در الگوی مهار، باید توان آسیب‌رسانی تهدید کاهش یابد. با به کارگیری این رویکرد، انتظار این است که تهدید عمق پیدا نکند و گسترش نیابد. عمق‌یابی تهدید به معنای نفوذ آن در اعماق مرجع تهدید است. برای مثال، اگر تهدید بتواند باورها، انگیزه‌ها و رفتارهای سکولاری و لیبرالی را در جامعه تشدید کند، به معنای عمق‌یابی تهدید در هویت اسلامی به‌عنوان مرجع تهدید است. گستره تهدید، به دامنه و جغرافیای پیامدها و اثرگذاری تهدید اشاره دارد. برای به حداقل رسانی توان آسیب‌رسانی تهدید، سیاست‌های مختلف قابل استفاده است.

یک- کاهش آسیب‌پذیری‌ها و زدودن بسترهای آن: برای مقابله با جنگ نمی‌توان آسیب‌ها و ضعف‌ها را -که دارای ابعاد مختلف است و دلایل متعددی دارد- نادیده گرفت بلکه این امر یک ضرورت راهبردی شمرده می‌شود. آسیب‌ها، زمینه‌ها و مقدمات شکل‌گیری تهدیدات اند که عموماً در محیط تهدیدشونده قرار دارند و اگر به آنها بی‌توجهی شود، مهار تهدید را با مشکل روبه‌رو می‌سازند. چنان‌که یک سیستم در مؤلفه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری استاندارد شده امنیت، دارای ضعف سیستماتیک، ساختاری یا فرایندی باشد، آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات آن گسترش می‌یابند؛ اما چنان‌چه مؤلفه‌های موردنظر قابلیت پشتیبانی از یکدیگر را در شرایط اضطراری داشته باشند و از مصونیت‌سازی و توانایی‌های حفاظتی خودساخته برخوردار باشند، این مؤلفه‌ها افزایش دهنده قدرت سیستم خواهند بود (عبداللّه خانی، ۱۳۸۶: ۱۱۱). براساس این یافته، مدیریت آسیب‌ها مقدم بر مدیریت تهدید است و کاهش آسیب‌ها عامل مهمی در بسترزدایی گسترش عمقی و افقی تهدیدات است. آسیب‌ها هرچه کمتر شوند، توان آسیب‌رسانی تهدید و مجریان جنگ نرم نیز کاهش می‌یابد.

دو- ایجاد حساسیت و امنیتی کردن تهدید: حساسیت داشتن بدان معناست که وضعیت

بازیگر تهدیدشونده با اهداف مرجع آن، در برابر برخی از پدیده‌ها به صورت خودکار واکنش‌پذیر بوده باشد (همان: ۴۱). امنیتی کردن به این معنی است که حساسیت‌های امنیتی یک پدیده به بالاترین حد ممکن برسد. به تعبیر بوزان، موضوعی وجودی را فوری و چنان با اهمیت جلوه دهیم که نباید درباره‌اش مانند مسائل عادی سیاسی چک‌وچانه زد؛ بلکه باید رهبران بلندپایه پیش از موضوعات دیگر آن را قاطعانه معین کنند (بوزان، ۱۳۸۶: ۵۷). امنیتی کردن تهدیدات، همچنین به معنای موفقیت در شناساندن تهدیدات به عنوان تهدیدات امنیتی به مخاطب است (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۱۷۹). مخاطب شامل مجموعه عوامل دست‌اندرکار یا مرتبط با موضوع مدیریت تهدیدات و همچنین عواملی مانند توده مردم است که باید در این خصوص همدلی، همیاری، همکاری یا پذیرش و تمکین داشته باشند.

سه- مهندسی معکوس تهدید: ویژگی تهدید، به ویژه تهدید نرم، فرایندی است. در مطالعات امنیتی با واژگانی روبه‌رو هستیم که بیانگر مراحل یا وضعیت‌های تهدید می‌باشد. این مراحل عبارت‌اند از: ۱. موضوع ۲. مسئله ۳. مشکل ۴. معضل ۵. خطر ۶. بحث ۷. بحران (افتخاری ب، ۱۳۸۵: ۷۵). مهندسی معکوس تهدید نرم، به معنای بازخوانی مجدد، بازیابی و تشخیص اجزای متشکله آن و ایجاد تغییرات لازم بمنظور مهندسی مجدد در راستای اهداف و منافع تهدیدشونده است. در مهندسی معکوس تلاش می‌شود تا پدیده امنیتی از وضعیت منتهی‌الیه شدت تهدید به ماقبل خود هدایت و به وضعیت عادی بازگردد. برگشت به نقطه پیشین بدان معناست که تهدید در مرحله‌ای که قرار دارد، به مرحله پیش‌تر برگردانده شود و این عمل به همین ترتیب ادامه یابد تا به وضع عادی منجر شود. تبدیل مخالف به موافق و ایده جذب حداکثری و دفع حداقلی با حفظ اصول در ادبیات دینی، بیانگر مهندسی معکوس تهدید است.

بنابراین، اگر مدیران سیاسی و امنیتی بتوانند یک بحران را مهار کنند و آن را به سطح یک تهدید جدی تقلیل دهند، در مقام عمل توفیق کسب کرده‌اند؛ چنان‌که اگر همین روند را استمرار بخشند و به صورت معکوس شدت آن را کاهش دهند، می‌توان ادعا کرد که تهدید از بین می‌رود و وضعیت عادی باز می‌گردد (همان: ۲۶).

ب) متحول‌سازی تهدید: متحول‌سازی، سیاستی است که برای مهار تهدیدات نرم به کار

می‌رود. متحول کردن تهدید، به شکل‌های مختلفی قابل پیگیری است. تبدیل تهدید به فرصت، یکی از اشکال آن است. جابه‌جایی اولویت‌های تهدید، شکل دیگر متحول‌سازی است.

یک- تبدیل تهدید به فرصت: تهدیدات بزرگ، متضمن فرصت‌های احتمالی بزرگ‌اند؛ یعنی در هر تهدیدی فرصت‌هایی نهفته است و درون هر فرصتی نیز تهدید هست. هنر امام رضا علیه السلام این بود که در مواجهه با سیاست فریبکارانه مأمون، با اتخاذ راهبردهایی هوشمندانه، تمام تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد. یکی از راهبردهای مهم حضرت امام علیه السلام نه تنها در جنگ تحمیلی، بلکه در مواجهه با تمام بحران‌ها، رویکرد تبدیل تهدید به فرصت بود. برای مثال، در جریان تحریم اقتصادی فرمودند: «همین تحریم اقتصادی برای شما تحفه‌ای آسمانی بود که فکرهای متفکران ما را به‌راه انداخت و بحمدالله رو به خودکفایی می‌روند...» (موسوی خمینی، ۱۶، ۱۳۶۹: ۲۷۶). بنابراین، در الگوی متحول‌سازی باید برای مقابله با تهدیدات، فرصت‌های نهفته در آن را به خوبی شناخت و به‌کار گرفت.

دو- جابه‌جایی اولویت‌ها: یکی از سیاست‌های مؤثر در مهار تهدیدات جابه‌جایی اولویت‌های موجود در تهدید است. در این الگو با جابه‌جایی اولویت‌ها می‌توان رخداد تهدیدکننده را به حاشیه راند. از این رو، شناسایی دقیق اولویت‌ها، شرایط و ابعاد آنها و دقت در فرایند جابه‌جایی از عناصر مهم این الگوست. برای جابه‌جایی چند اقدام لازم است:

(۱) ایجاد شرایط ذهنی و عینی: با ایجاد شرایط ذهنی و عینی، پدیده تهدید اولویت خودش را از دست می‌دهد. این کار را می‌توان از طریق رسانه‌ها و سازوکارهای اجتماعی و با طرح موضوعات جدید انجام داد؛

(۲) حساسیت‌زدایی: با تخفیف حساسیت‌های مربوط به پدیده موردنظر می‌توان به تدریج موضوع را از ذهن‌ها پاک ساخت. تلاش‌های زیادی می‌توان در حساسیت‌زدایی انجام داد؛ از جمله آنها انعکاس خبری فراوان و ضدونقیض است. در انتشار فراوان اطلاعات، اولویت‌ها می‌توانند فراموش یا گم شوند؛

(۳) ایجاد اولویت‌های کنترل‌شده جدید: در کنار سوژه‌های بسترساز تهدید و اولویت‌های تهدیدکنندگان می‌توان با سوژه‌آفرینی‌های جدید، اولویت‌های موجود را تخفیف داد و بی‌تأثیر کرد؛

(۴) جابه‌جایی بازی: در مباحث استراتژیک، اصلی وجود دارد که برپایه آن، یک بازیگر به منظور دور کردن حریف از رویارویی مستقیم، دست به ایجاد مناطق ژئواستراتژیک می‌زند. در اینجا نیز می‌توان از این تکنیک بهره جست و با ایجاد تغییر در زمین بازی، اولویت‌های تهدید را جابه‌جا کرد یا متحول ساخت. کاری که اکنون مقامات کاخ سفید در خصوص ایران به آن معترف‌اند.

نتیجه‌گیری

جنگ نرم به دلیل نافیزیکی بودن و برخورداری از فرایندهای پیچیده و به ظاهر فریننده، تشخیص و شناخت آن را دشوار کرده و به همین ترتیب باور به وجود چنین جنگی را با چالش سنگینی روبه‌رو ساخته و در نتیجه راه‌های مقابله با آن را نیز سخت کرده است. با وجود این، نکته اساسی و راهبردی این است که برنامه‌های مقابله‌ای با جنگ نرم با نگرش تهدیدمحوری صرف، توانایی پیشگیری و دفاع در برابر حمله‌های نرم این نبرد را ندارند؛ زیرا جنگ نرم از حیث هدف‌های راهبردی، بر دو نقطه آماجی حریف به صورت هم‌زمان تمرکز دارد: یکی نقاط قوت؛ و دیگری نقاط ضعف حریف.

ازسوی دیگر، بدون تفکیک‌سازی ساحت‌های تهدید و فضاهای مدیریتی، طراحی الگوهای نرم مقابله دشوار است. در این پژوهش، تهدید نرم مقوله فرایندی تلقی شده و دارای تکوین، رشد، اوج و افول است که در ساحت‌های مختلف زیست انسان بروز و ظهور می‌یابد. از این رو، برای ساحت‌های زیست فردی و جمعی انسان، باتوجه به فرایند پروژه‌ای پروسه‌ای تهدیدات نرم و فضاهای سه‌گانه پیشگیری، الگوی جامع مدیریت تهدید طراحی شد که هم تهدیدات نرم تأثیرگذار در ساحت پیشاتکوین را متأثر می‌سازد و هم می‌توان با این الگو با تهدیدات نرم مؤثر بر ساحت‌های فردی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی مقابله کرد. وجه متمایز این الگو این است که ناملموس‌ترین تهدیدات نرم را که در ساحت پیشاتکوین ممکن است اتفاق افتد، تا عینی‌ترین وجه تهدیدات نرم، که ممکن است در ساحت امنیتی رخ دهد، دربرمی‌گیرد.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۰). برآورد تهدید؛ رویکرد نظام‌واره، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- _____ (۱۳۹۱). تهدید نرم: رویکرد اسلامی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- _____ (۱۳۸۵ الف). اقتدار ملی جامعه‌شناسی سیاسی قدرت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام تهران، سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.
- _____ (۱۳۸۵ ب). کالبدشکافی تهدید. تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین علیه السلام.
- _____ (۱۳۸۷). تقریرات درس تهدیدات نرم، دوره هفتم دکتری امنیت ملی، نیمه اول سال تحصیلی، تهران، دانشگاه دفاع ملی.
- امیری، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۲). «الگوی مقابله با جنگ نرم آمریکا»، فصلنامه پژوهش حفاظتی - امنیتی، دانشگاه امام حسین علیه السلام ش ۳، پاییز.
- باقری چوکامی، سیامک (۱۳۹۵). موج چهارم جنگ نرم، قم، زمزم هدایت.
- باقری، سیامک و یوسفی، جعفر (۱۳۸۷). مجموع مقالات همایش عملیات روانی، تهران، معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح.
- بوزان، باری، الی ویورو پاپ دو ویلد (۱۳۸۶). چهار چوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۱). مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی ج.ا.ا. رهیافت‌ها و راهبردها، تهران، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- تدگر، رابرت (۱۳۸۸). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸). شرح غررالحکم و دررالکلم آمدی، ترجمه و شرح سیدهاشم رسول محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱ و ۲.
- حاذق نیکرو، حمید (۱۳۹۱). «نظام مقابله با جنگ نرم دشمن»، فصلنامه مطالعات عملیات روانی، شماره ۳۲، بهار، ص ۲۵ تا ۶۷.
- حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در جمع اعضای مجلس خبرگان، ۱۳۸۸/۷/۲.
- _____ بیانات در جمع وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳.
- _____ بیانات در جمع رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۴/۶/۸.

- _____ بیانات در جمع علما و روحانیون استان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۷.
- _____ بیانات در جمع مردم چالوس، ۱۳۸۸/۷/۱۵.
- _____ بیانات در دیدار با کارگزاران نظام، ۱۳۸۹/۵/۲۷.
- حسینی، حسین (۱۳۸۹). «جنگ نرم: از تهدید تا پاسخ»، فصلنامه علمی - تخصصی عملیات روانی، ش ۲۶، تابستان.
- عبدالله‌خانی، علی (۱۳۸۶). تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش). تهران، مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- قمی، شیخ عباس (۱۳۷۲). نفس المهموم، ترجمه باقر کمره‌ای، قم، انتشارات مسجد مقدس صاحب‌الزمان.
- کریمی، علی (۱۳۸۵). «از امنیت ملی تا امنیت شهروندان»، فصلنامه امنیت عمومی، س ۱، ش ۱، زمستان، ۲۴ ص.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۸۷). اصول کافی، قم، دارالحدیث.
- متقی، ابراهیم (۱۳۸۸). «مدیریت جنگ نرم در فضای عدم تعادل»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ش ۴۳، تابستان، ۲۶ ص.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۲). بحار الانوار، تهران، کتاب فروشی اسلامیه.
- محمدی نسل، غلامرضا (۱۳۸۸). «اصول و مبانی پیشگیری حفاظتی»، مجموعه مقالات اولین همایش پیشگیری، تهران، دفتر عمومی حفاظت اطلاعات فرماندهی کل قوا.
- موسوی خمینی رحمته‌الله. سیدروح‌الله (۱۳۶۹). صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری. تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق رحمته‌الله.